

منقول شد با بوی حسن و زیند او بعد از آن و ثلثه او
ایستاد و اسحاق ابن درته درشت بود اسط عقل و از عقل
ظاهر و ابوالحسن در سن پنجاه و نهم و ثلثه او
مخیرت و باز سلامت بخارا رسید و او رویت
از پدر خود میکند و از پدر و مادر خود امام ابو بکر
سعد را پدر میزند و او را و چهار ایشان در
مقبره مدفونند و مدفن هر یک از ایشان این زبان است
و نامعلوم است و این علامت کمال حال و شرف است
اندر یک حدیث قدسی که فرمود: **بویک** و رحاب شرفی
من از امام ابو بکر فضل رحم الله مقبره است استاجیه
رحمهم الله که هر یک از ایشان مقبره آجهان بوده اند
و سر تربتهای ایشان مجمع او تا در ابدال است و حاوی
تابخ الدن که از آن خا نوده اند میگویند که روحی
بعد از غار بزمارت ایشان رفتند و از پدر در آن
مزار نشسته بود و هزاری میگریست و شنای ایشان

این مقبره فلو میگویند
بویک

اشماله و حسن حسن او ظاهر بود و چند از حال پرسیدم
جواب گفت بارگشتم روز شنبه او را بر همان مکان
بر همان حال دیدم الجاح زبانت کردم گفت من نمی
از ابدالی لم که بویک نظر او بی از ایشان دور افتاد
گفتم درین مکان چه مطلبی گفت هر شنبه دو شنبه
ایشان را درین موضع اجتماعی بود و باید دریافت
صحت ایشان آمده ام با پدر و دو شنبه رفتن آن جوان
را نیافتم و بعد از آن هرگز او را ندیدم اول ترناب امام
عالم زاهد مفتی استاد لایزال مولانا سیف الدین ستاجی
هیست رحم الله وفات او در سنه اربعین و سیصد
بود است و مدت عمر ایشان نود و سی سال بود است
و در پیش تربت ایشان مرقد فرزندان ایشان مولانا
جمال الدین ستاجی است که مقصدای چهار و پنجاه
ا بر او صاحب ولایت و کرامت بوده اند و است
چگ گذارد بود و چندین کتب تصنیف کرده در سفر